

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احاديث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حديث شفت و شتم: در برابر «اصابت!» صبر کن!

[فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنْ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ / ٧ القمان] في المجمع:

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ مِنْ الْمَشَقَّةِ وَ الْأَذَى فِي الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ.»

* سند روایت:

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٦٦، ص ٣٦٠ - مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٨، ص ٥٠٠

* شرح و ترجمه حدیث:

از حضرت امیر علیه السلام (ذیل آیه شریفه ۱۷ سوره لقمان) نقل شده که فرمودند:

(منظور از «وَاصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ» در این آیه شریفه، این است که: «شکیبایی کن بر آنچه که از مشقت ها و آزارها، در راه انجام امر به معروف و نهی از منکر به تو می رسد (یا ممکنست اصابت کند)».

* نکات:

– روایت حاضر، در واقع از میان بخشی از تفسیر آیه ۱۷ سوره لقمان (که جزو آیات کلیدی و راهبردی قرآن کریم درباره امر به معروف و نهی از منکر است) در تفسیر مجمع البیان، استخراج شده است؛ که متن کامل عربی و فارسی این تفسیر بدین شرح است:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ»: تکمیلًا لنفسک. «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ»: تکمیلًا لغيرک. «وَاصْبِرْ عَلٰی مَا أَصَابَكَ»: من الشدائد، و فی المجمع عن علی ع: «و من المشقة و الأذى فی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر. «إِنَّ ذَلِكَ»: إشارة إلى الصبر أو إلى کل ما أمره. «مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»: أي مما عزمه الله من الأمور، أي قطعه قطع إيجاب و إزام و منه الحديث أن الله يحب أن يؤخذ برخصه كما يحب أن يؤخذ بعزائمه؛

«اینکه خداوند می فرماید «أَقِمِ الصَّلَاةَ: نماز را بر پا دار»، به جهت تکمیل نفس خودت است. و اینکه می فرماید «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ: امر به معروف و نهی از منکر را انجام ده»، برای تکمیل غیر خودت است. «وَاصْبِرْ عَلٰی مَا أَصَابَكَ: شکیبایی کن بر آنچه به تو اصابت می کند»، منظور ناملايمات و مشقت ها و آزارهایی است که در انجام امر به معروف و نهی از منکر (ممکنست) به تو برسد. و «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»، اشاره بر «این صبر» یا هر آنچه که بدان امر کرده دارد...».

* پیام ها و رهنمودها:

– لقمان حکیم در آیه ۱۷ سوره لقمان و چند آیه قبل و بعد آن، دارد به فرزندش وصیت هایی می کند؛ یک سری وصیت هایش «اعتقادی» است، مثل: «لا تشرک بالله» و...؛ و یک سری وصیت ها هم «عملی و رفتاری» است، که در این آیه آمده است: ۱. «أَقِمِ الصَّلَاةَ: نماز را بر پا کن!» ۲. «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ: امر به معروف کن!» ۳. «وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ: نهی از منکر کن!». این یک درس مهم برای پدرها و مادرها دارد؛ که بعد از این که «نماز» را به فرزندانتان یاد دادید، باید زود «امر به معروف» و «نهی از منکر» را هم یادشان بدهید! وگرنه خراب می شوند؛ همان نمازش را هم کنار می گذارد! این هایی که از دوست و فامیل و همسایه می بینید که یک روز نماز خوان بودند و الآن تارک الصلوه شده اند، به خاطر این است که پدر و مادرشان، به موقع امر به معروف و نهی از منکر را هم، مثل نماز یادشان نداده اند؛ در خونی نکرده اند که این هم مثل نماز واجب است! در نتیجه این بچه «منفعل» بار آمد، نه «فعال»؛ این جوان «اثرپذیر» بار آمد نه «اثرگذار»! لذا بعد از یک مدّت که دید بعضی نماز خواندش را مسخره می کنند، می بینی او هم «تحت تاثیر جو»، نماز خواندش را کنار گذاشت...؛ جناب لقمان برای این که نماز فرزندش تا آخر عمر محکم بماند، وقتی می گوید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ»، بلافاصله میخ را می گوید: «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ»، پسر! تو باید همه جا، نسبت به گناه کار «موضع» داشته باشی و درصدد هدایت او بر آیی...

– این روایت حضرت علی ع، مربوط به قسمت آخر آیه است که می فرماید: «وَأَصْبِرْ عَلٰی مَا أَصَابَكَ»، پسر! صبر کن در این راه (راه امر به معروف و نهی از منکر)، بر آن چه که بر تو اصابت می کند...؛ این پیامش این است که به عزیزانمان بگوییم که: «امر به معروف و نهی از منکر هزینه هم دارد!» گاهی ممکن است: یک فحش هم بخوری، گاهی ممکن است جریمهات هم بکنند (مثلا به مافوقات تذکر داده ای و او خوشش نیامده و شاید یک مقدار حقوقت را هم کم کند...)، شاید فامیلت یک اخمی هم بکند، شاید مردم یک به تو چه ای هم به شما بگویند...؛ مثل آن پزشک عزیز یا پرستار محترمی که به یک بیمار یا بچه‌ی کوچکی آمپولی می زند و او دردش می آید و شاید داد بزند، گریه بکند، نق هم بزند، ولی این پزشک درک می کند که این آمپول برای خود آن بچه، خوب است. و تسلیم داد و فریادها نمی شود.

– کارهایی مثل آتش نشانی، نجات غریق، معلّمی و امثالهم که درش «نجات» هست، همه در درونشان «مشقت و اذی» هم وجود دارد. و امر به معروف و نهی از منکر هم همین طور است؛ وقتی می خواهی شخصی را نجات دهی، خوب سختی دارد. چون او دارد غرق می شود و دست و پا می زند، و شما که می خواهی او را نجات بدهی شاید یک مشتش هم در حالی که دست و پا می زند، پای چشم شما بخورد! شاید یک شخص خطاکار یک فحش، یا یک به تو چه هم به شما بگوید. اشکالی ندارد، به خاطر امر خدا تحمل می کنیم (وَاصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ)، و می دانیم که خداوند درباره این «صبر»، فرموده است: «اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْر!»

خدا انشاءالله همه‌ی ما را در این راه ثابت قدم بدارد...

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث ثبوت و نهم: افضل اسلام

حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَنَّ رَجُلًا مِنْ خَتَمِ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي مَا أَفْضَلُ الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: الْإِيْمَانُ بِاللَّهِ. قَالَ: ثُمَّ مَا ذَا؟ قَالَ: ثُمَّ صَلَاةُ الرَّحْمَنِ. قَالَ: ثُمَّ مَا ذَا؟ قَالَ: الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ. فَقَالَ الرَّجُلُ: فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: الشُّرْكُ بِاللَّهِ. قَالَ: ثُمَّ مَا ذَا؟ قَالَ: قَطِيعَةُ الرَّحْمَنِ. قَالَ: ثُمَّ مَا ذَا؟ قَالَ: الْأَمْرُ بِالْمُنْكَرِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمَعْرُوفِ.

* سند روایت:

الكافي ج ٥ ص ٥٨ - مستدرک الوسائل ج ١٢ ص ١٨٤ - وسائل الشيعة ج ١٦ ص ١٢١ - بحار الأنوار ج ٩٧ ص ٨٢ - ترجمه روضة الواعظين (مهدي دامغانی)

طریق اول: (مسند / عادى) محمد بن یعقوب [الکلبى، امامى ثقه جلیل] عن حمید بن زیاد [الکوفى، واقفى ثقه] عن الحسن بن سماعه [الحسن بن محمد بن سماعه، واقفى معاند فى الوقف ثقه] عن غیر واحد [معتبر] عن ابان بن عثمان [الاحمر، امامى ثقه جلیل من اصحاب الاجماع و ما قيل فى فساد مذهبه باطل] عن عبد الله بن محمد بن طلحة عن أبى عبد الله ع أن رجلا من خثعم جاء إلى رسول الله ص فقال يا رسول الله أخبرنى... قال

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امام صادق (ع) فرمودند:

مردى از قبيله خثعم به حضور رسول خدا ص آمد و عرض کرد: یا رسول الله! به من خبر دهید که بهترین کار در اسلام چیست؟

حضرت رسول ص فرمودند: ایمان آوردن به خدا؛

پرسید: پس از آن چه؟ حضرت فرمودند: صله رحم (رعایت پیوند خویشاوندی)؛

پرسید: پس از آن چه؟ حضرت فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر.

آنگاه مرد پرسید: کدام کار نزد خدا از همه ناخوشایندتر است؟

حضرت رسول ص فرمودند: شرک به خدا؛

پرسید: پس از آن چه؟ حضرت فرمودند: قطع رحم (بریدن پیوند خویشاوندی)؛

پرسید: پس از آن چه؟ حضرت فرمودند: امر کردن به کار ناپسند و باز داشتن از کار پسندیده.

*** نکات:**

– طبق فرمایش حضرت رسول ص، بالاترین عمل در اسلام، بعد از «ایمان به خدا»، و «صله رحم» (که آن هم به خاطر مسئولیت اجتماعی و امر به معروف در اسلام است)، بالاترین فریضه در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است. یعنی زیر بنا و شالوده‌ی تمام واجبات است؛ «بها تُقَامُ الْفَرَائِضُ» است!

*** پیام‌ها و رهنمودها:**

– بسیار قابل تأمل است که حضرت بعد از ایمان، و صله رحم (که البته در بحث خانواده و بستگان، قبلاً گفته ایم که صله‌ی رحم نیز مصداق امر به معروف است)، بالاترین کار را فرموده اند: نماز یا روزه یا حج یا خمس و...؛ حتی فرمودند «جهاد» (که البته امر به معروف و نهی از منکر با جهاد، به تعبیری «نسبت عموم و خصوص» دارند)؛ بلکه حضرت می‌فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر!» و شاید چون مرد خشمی می‌خواست دلش مطمئن شود، نقطه مقابل سوال هایش (ناخوشایندترین اعمال) را هم پرسید، که دقیقاً جواب‌های متقابل را هم گرفت؛ یعنی: شرک، قطع رحم و امر به منکر و نهی از معروف!

– عزیزان، اگر دست پیش‌گیریم پس می‌افتیم! اگر امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه رایج نکنیم، به زودی در جامعه‌ی ما «امر به منکر!» رایج می‌شود و «نهی از معروف!»؛ اما نگران نباشید! مأیوس نباشید! ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است. هیچ هم دیر نشده است؛ امر به معروف و نهی از منکر را احیا کنیم، تمام توانمان را برای ترویج این واجب فراموش شده بگذاریم؛ انشاءالله خدا هم کمک خواهد کرد...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام‌رسان‌های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احاديث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث هفتادم: وصیتنامه امام حسین علیه السلام...

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ الْخُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى أَخِيهِ مُحَمَّدٍ
الْمَعْرُوفِ بِابْنِ الْحَنْفِيَّةِ:

أَنَّ الْخُسَيْنَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ
الْحَقِّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ؛

وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي
(ص)؛ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع).
فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ؛ وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ
بِالْحَقِّ؛ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ.

وَهَذِهِ وَصِيَّتِي يَا أَخِي إِلَيْكَ! وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ...»

* سند روایت:

بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۴۴؛ ص ۳۲۹ - تسلیه المجالس و زینة المجالس (مقتل الحسین علیه السلام)؛ ج ۲؛ ص ۱۶۰

* شرح و ترجمه حدیث:

متن وصیت نامه ای که اباعبدالله الحسین ع در نامه ای پیچید و مهر کرد و به سوی برادرش محمد حنفیه فرستاد و بعد شبانه خارج شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم. این وصیت حسین بن علی بن ابیطالب (ع) است به برادرش محمد معروف به ابن حنفیه:

همانا حسین شهادت می دهد که هیچ خدایی جز خدای واحد نیست که شریکی برای او نبوده و همانا محمد (ص) بنده و رسول او، حق را از نزد حق آورده؛ و اینکه بهشت و جهنم حق است و اینکه در وقوع قیامت هیچ شکی نیست؛ و اینکه خداوند همه را از قبرها بر می انگیزاند.

و همانا که من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از شهر خود بیرون آمدم. بلکه هدف من از این حرکت، اصلاح (مفاسد) امت و احیای سنت و قانون جدم رسول خدا (ص)، و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب (ع) بوده؛ و می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم. پس هر کس این (اقدام) حق را از من بپذیرد (و از من پیروی کند)، پس خدا به حق شایسته تر است. و هر کس آن را از من رد کند (از من پیروی نکند)، صبر و استقامت (در راه خویش) در پیش خواهم گرفت تا خداوند در میان من و این قوم (بنی امیه) حکم کند؛ که او بهترین حاکمین است.

و برادر! این وصیت من است به تو! و هر توفیقی تنها از طرف خداست، و بر او توکل می کنم و بازگشتم به سوی اوست...»

* نکات:

– نکات و پیام های بسیار مهمی در صرف همین روخوانی این وصیت نامه به دستمان می آید؛ و باید پیروان و عاشقان امام حسین ع حتماً این وصیت نامه را بارها و با دقت بخوانند و نصب العین خودشان قرار دهند؛ که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

* پیام ها و رهنمودها:

– امام حسین ع در وصیت تاریخی شان، بعد از شهادت به یگانگی خداوند و بندگی و رسالت حضرت محمد ص، و حقانیت بهشت و جهنم و قیامت و بعث و نشور، درباره هدف قیام شان می نویسند؛ که ایشان برای ظلم و فساد یا تفریح و سرگرمی قیام نکرده اند! بلکه فقط و فقط قیام و خروج کرده اند برای اصلاح امت پیغمبر ص و اینکه اراده کرده اند که امر به معروف و نهی از منکر انجام دهند؛ و می خواهند مثل روش و سیره جدّ و پدرشان، رسول خدا ص و امیر المؤمنین ع امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند و امت را اصلاح کنند. لذا می بینیم که عنصر اصلی در وصیت نامه‌ی امام حسین ع همان عنصر اصلی در قیام ایشان است، و تمام حواشی را حول محور امر به معروف و نهی از منکر قرار می دهند.

– مردم بر اساس اینکه هدف و بنیان قیام سیدالشهدا ع «امر به معروف و نهی از منکر» است، در قبال ایشان و حرکت ایشان به دو دسته تقسیم می شوند: «هر که امر به معروف و نهی از منکر را از من قبول کند و به من کمک کند و در این راه با من باشد و از من بپذیرد: درود بر او، خدا خیرش بدهد...! اما هر که در این راه مرا تنها بگذارد (هر که از من امر به معروف و نهی از منکر را نپذیرد و قبول نکند و با حرکت من همراهی نکند)، صبر می کنم تا روزی که خدا بین من و شما به حق قضاوت کند!». این تعبیر، خیلی تأمل برانگیز است. ببینید پای قیمة خوردن همه هستیم، اما پای فحش خوردن که رسید قایم می شویم! امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست، قیمة خوردن واجب است؟! نباید فکر کنیم همین که برای امام حسین ع گریه می کنیم یا سر و سینه می زنیم یا یک کربلا می رویم یا زیارت عاشورا می خوانیم، دیگر جزء اعوان و انصار حضرت هستیم! نه، باید ببینیم امر به معروف و نهی از منکر می کنی یا نه؟! زیرا حضرت می فرمایند: «مَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا،

أَصْبِرْ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ...»؛ هر که این را از من نپذیرفت و کمکم نکرد، صبر می کنم تا خدا بین من و او قضاوت کند...

– سیره‌ی «جدّ» امام حسین ع امر به معروف است! سیره‌ی «پدر» سیدالشهدا ع امر به معروف است! راه اصلاح جامعه امر به معروف و نهی از منکر است! راه مبارزه با ظلم و فساد و... امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر تنها راه نجات است؛ انکه امام خمینی می فرماید و همه هم می دانیم که: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است»، یعنی: «این حسین بن علی علیه السلام است، این قیام عاشورا است، این امر به معروف و نهی از منکر است که اسلام را زنده نگه داشته است»؛ وگرنه محرم و صفر با گریه و قیমে، ولی بدون امر به معروف و نهی از منکر، بدون این که شما روزی دو تذکر لسانی بدهی، چه فایده دارد؟؟ طرف بی خاصیت باشد و گریه کند، و «میتنی بین احیا» باشد، این که اسلام را زنده نگه نمی دارد! لذا بعضی مان به دروغ به امام حسین علیه السلام می گوئیم که: «إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ...»؛ به حرف که نیست! آیا حاضری دو تا به تو چه و حرف هم بشنوی یا نه؟! حاضری دست دو نفر را بگیری، دلسوزی کنی در حقشان و به تو چه هم بشنوی یا نه؟! راهی که امام حسین رفت، باید «هل من ناصر» اش را لَبیک بگوئیم...؛ این وصیت نامه قصه نیست! این‌ها را نوشته‌اند که ما چرتمان بگیرد! این‌ها را نوشته‌اند که ما چرتمان ببرد! تلنگری بخوریم...، ببینیم که آیا وظیفه‌مان را نسبت به حضرت انجام می‌دهیم یا نه؟!

إنشاءالله همه ما به نحو احسن امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهیم و حضرت را در این راه یاری کنیم...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث همتادوکلیم: روایت مکان دهنده می عذاب مرد زاهد پیش از کفار و فجار قوش!

حدیث ۱:

الإمامُ الحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ العَسْكَرِيُّ ع فِي تَفْسِيرِهِ عَنِ آبَائِهِ:

عَنِ النَّبِيِّ ص فِي حَدِيثٍ قَالَ:

لَقَدْ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ وَأَمَرَهُ أَنْ يَخْسِفَ بِيَدِهِ يَسْتَمِلُ عَلَى الْكُفَّارِ وَالْفُجَّارِ فَقَالَ جِبْرِئِيلُ: يَا رَبِّ
أَخْسِفْ بِهِمْ إِلَّا بِفُلَانٍ الزَّاهِدِ؛ لِيَعْرِفَ مَاذَا يَأْمُرُهُ اللَّهُ فِيهِ فَقَالَ: «أَخْسِفْ بِفُلَانٍ قَبْلَهُمْ!» فَسَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ:
يَا رَبِّ عَرَّفَنِي لِمَ ذَلِكَ وَهُوَ زَاهِدٌ عَابِدٌ؟! قَالَ: «مَكَنتُ لَهُ وَأَقْدَرْتُهُ فَهُوَ لَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَى
عَنِ الْمُنْكَرِ وَكَانَ يَتَوَقَّرُ عَلَيَّ حُبِّهِمْ فِي غَضَبِي»؛

فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ بِنَا وَنَحْنُ لَا نَقْدِرُ عَلَى إِنْكَارِ مَا نَشَاهِدُهُ مِنْ مُنْكَرٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص:
لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَعْمَنَّكُمْ عَذَابُ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُنْكَرْ بِيَدِهِ
إِنْ اسْتَطَاعَ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ فَحَسْبُهُ أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ أَنَّهُ لِدَلِكِ كَارِهِ.

* سند روایت ۱:

وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۵ - التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام،
ص ۴۸۰ - نهج الفصاحة؛ ص ۷۶۸ - عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۴۳۱
- هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۵۷۴

طریق اول: (مسند، عادی، صحیح) الإمام الحسن بن علی العسكري ع فی تفسیره عن آبائه ع عن

النبي ص فی حدیث قال

* شرح و ترجمه حدیث ۱:

در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) که امام حسن عسکری علیه السلام به نقل از
پدران شان در تفسیر منسوب به ایشان آورده اند، نقل شده که:

حضرت رسول ص فرمودند:

خداوند (در زمانی قبل از شما) به جبرئیل وحی فرمود و او را ماموریت داد تا شهری را که شامل
کفار و فجار بود، به زمین فرو برد؛ جبرئیل (جهت امتثال امر الهی به آن دیار رهسپار شد و فرد
زاهدی را آنجا در میان کفار و فجار یافت، پس از آن) برای اینکه بداند حکم خداوند درباره او
چیست (و یا علت چنین حکمی درباره او را بداند)، عرضه داشت: «پروردگارا! همه آنها را به زمین
فرو برم، مگر فلان فرد زاهد را؟» پس خداوند عزوجل فرمود: «او را قبل از سایرین (کفار و فجار
شهر) به زمین فرو بر!» جبرئیل از پروردگارش سوال کرد و گفت: «پروردگارا! مرا روشن کن!
برای چه او نیز به زمین فرو رود در حالی که او زاهد و عابد است؟!» خداوند فرمود: «(چون که)
من او را مکت و قدرت عطا کردم، اما او با این وجود، امر به معروف و نهی از منکر نمی کند، و
پیوسته بر محبت و علاقه به آنها زیاده روی می کرد، در حالی که غضب و خشم من نسبت به آنان
زیاد بود.»

(در این هنگام، اصحاب) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسیدند: (حال که این طور است،) پس وضع ما چگونه خواهد بود، در حالی که ما قادر نیستیم همه آنچه را از منکرات می بینیم، رد (نهی از منکر) کنیم؟! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «یا حتماً امر به معروف و نهی از منکر می کنید یا اینکه عذاب خدا قطعاً همه شما را شامل خواهد شد!» سپس فرمودند: «هرکس از شما منکری را ببیند، باید اگر می تواند، با دست مانع از انجام آن شود؛ و اگر نتوانست، با زبان؛ و باز اگر نتوانست، با قلب (رفتار و چهره) خویش، آن را رد کند. پس برای او کافی است که خداوند از قلبش (اظهار ناراحتی قلبی او در چهره اش) بداند که او آن منکر را ناپسند می شمرد.

حدیث ۲:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَىٰ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ دُرُسْتِ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مَلَكَ إِلَىٰ أَهْلِ مَدِينَةٍ لِيَقْلِبَهَا عَلَىٰ أَهْلِهَا فَلَمَّا انْتَهَىٰ إِلَىٰ الْمَدِينَةِ، فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلًا يَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ إِلَيَّ أَنْ قَالَ فَعَادَ أَحَدَهُمَا إِلَى اللَّهِ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنِّي انْتَهَيْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ، فَوَجَدْتُ عَبْدَكَ فَلَنَا يَدْعُوكَ وَيَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فَقَالَ: «امْضِ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ، فَإِنَّ ذَا رَجُلٍ لَمْ يَتَمَعَّرْ وَجْهَهُ غِيظًا لِي قَطُّ».

* سند روایت ۲:

وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۴۳ - الوافی ج ۱۵؛ ص ۱۷۴ - الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵؛ ص ۵۸ - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۱۸؛ ص ۴۰۳ - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۱۴؛ ص ۵۰۹ - منهج الیقین؛ شرح نامه امام صادق علیه السلام به شیعیان؛ ص ۲۶۸ (ترجمه)

طریق اول: (مرسل / عادی) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ [العطّار، امامی ثقة جلیل] عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ [التاجر، امامی ثقة علی التحقیق] عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ [امامی، ثقة جلیل] عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ

[الصیرفی، امامی ثقه جلیل] عَن دُرُسْت [بن ابی منصور، واقفی ثقه علی التحقیق والظاهر
اخذالمشایخ عنه قبل وقفه] عَن بَعْضِ أَصْحَابِهِ

*** شرح و ترجمه حدیث ۲:**

امام صادق علیه اسلام فرمودند:

خدای عز و جل دو فرشته را بسوی شهری فرستاد تا آن را بر سر اهالی اش زیر و رو (سرنگون) کنند. چون آن دو به آن شهر رسیدند، مردی را آنجا یافتند که در حال دعا و تضرع و... بود؛ (میان آن دو ملک صحبتی شد و) یکی از آن دو ملک به سوی خدای عز و جل بازگشت و عرضه داشت: خداوندا! به آن شهر که فرموده بودی، رفتیم و فلان بنده تو را دیدیم که دعا و تضرع به سوی تو می کرد. خداوند خطاب کرد که: «(برو و) آنچه تو را بدان امر کردم را به انجام برسان؛ زیرا که او، مردی است که هرگز روی او به جهت غضب بر کسی که مخالفت من را کرده، سرخ (بر آشفته) نشده است!»

*** نکات (مربوط به هر دو روایت):**

– در اینجا دو روایت از نزول عذاب بر یک شهری که همه مشغول کثافت کاری و گناه بودند و یک نفر در میان آنها مشغول عبادت بود، نقل کردیم؛ یکی از امام حسن عسکری علیه السلام (به نقل از پیامبر ص) و دیگری از امام صادق علیه السلام. هر دو روایت، داستان مشابهی را نقل می کنند، با جمله بندی های متفاوت؛ که هم ممکنست هر دو روایت یک واقعه باشند، و هم اینکه مربوط به دو واقعه مستقل، از عذاب های الهی باشند.

* پیام ها و رهنمودها (مربوط به هر دو روایت):

– شاید جناب جبرئیل ع در این ماجرا ابتدا امیدوار بود که حتی خداوند به خاطر حضور آن فردِ عابد و زاهد در میان آن قوم، عذاب را از بقیه اهل شهر بردارد و یا دست کم عذابی که نازل می شود، شامل همه، غیر از او بشود؛ اما خداوند نه تنها دستور هلاکت همه را می دهد، بلکه می فرماید: اول از همه، همان او را عذاب کن! قبل از همه او را نابود کن! برای اینکه من به این آدم (مثلا) عابد زاهد بی خاصیت قدرت بیان و تمکن داده ام، اما او به خاطر من قوم بدکارش را امر به معروف و نهی از منکر نمی کند و با آنها خوش و بش و محبت هم می کند. در حالی که آنها مرا غضبناک کرده اند، این مرد بی خاصیت یک بار چهره اش از گناهان دیگران برافروخته نشد؛ یک بار ناراحت و عصبانی نشد از گناه و دهن کجی اینها به خداوند...

– باید توجه داشت این محبتی که در اینجا مذموم است، یک جاهایی خیلی هم خوب است! چرا که ما نباید همیشه با عبوس بودن و اخم امر به معروف کنیم، بلکه گاهی باید برو و بیا و بگو و بخند و محبت هم باشد. محبت اگر یک جایی بد است، یک جاهایی هم لازم است؛ ولی از در امر به معروف رفاقت می کنیم تا طرف جذب شود و همه بدانند که شما اهل نشاط هستید، و از این طریق از راه گناه به راه خدا بیاید. این حب اشکال ندارد؛ اما محبت مذموم، محبت نسبت به گناه است. محبتی که انکار نه انکار طرف گناهی کرده است! این اشکال دارد...

– امام حسن عسکری ع می فرمایند که وقتی پیامبر (ص) این روایت را در جمع اصحاب فرمودند، اصحاب گفتند: یا رسول الله، عجب روایتی گفتید! حالا تکلیف ما چیست؟! ما که توانایی نداریم هر گناهی را که می بینیم تذکر بدھیم! ما که جلوی همه گناهان را نمی توانیم بگیریم، باید چه کار کنیم؟ پیامبر فرمودند: باید حتما امر به معروف کنید و حتما باید نهی از منکر کنید (عبارت «لتأمرنّ بالمعروف و لتنهنّ عن المنکر»، «لام امر» دارد با «نون تاکید ثقیله...»); که اگر نکردید حتما عذاب خدا شامل همه تان می شود! و سپس فرمودند راهش این است که هر کدام از شما منکری را که دید، باید سعی کند با دستش و بطور عملی جلوی انجام آن را بگیرد؛ و اگر نتوانست، زبانی باید تذکر بدهد و اگر باز نتوانست، باید در چهره یا رفتارش ناراحتی اش را اظهار کند. که دیگر این، کمترین مرتبه ایمان است؛ که خداوند بداند که اگر بنده اش کاری از دستش بر نمی آید، لااقل دلش می خواهد که جلوی آن گناه را بگیرد.

– ما بحمدالله در حکومت اسلامی خیلی کارها از دست مان بر می آید؛ بصورت آتش به اختیار. یعنی آن قدر کار هست که همه بدون ابلاغیه (و بدون زیر پا گذاشتن قانون و مقررات)، می توانند کار و وظیفه شان را انجام دهند...؛ خودتان را دست کم نگیرید! قانون اساسی و شرع اسلام به همه اجازه داده تذکر بدهند؛ با زبان و با اشاره به فرد گناهکار بفهمانند که خواهرگلم و برادر عزیزم! این کار شما غلط است! و او را متوجه گناهش کنند. و از طرفی او را متوجه دلسوزی شان بکنند.

– این حدیث قابل توجه افرادی است که در عبادت و رسیدن به بهشت خدا فقط خودشان را مهم می دانند، و به قول معروف تک خور هستند! خدایا ما را جزو این دسته قرار مده! دیگران کاشته اند و ما خورده ایم، ان شالله که ما بکاریم و دیگران بخورند.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث هفتاد و دوم: شبهه‌ی «شرط بودن عاملیت»؟!؛

قالَ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع :

... لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ

* سند روایت:

نهج البلاغة (للصباحي صالح)؛ ص ۱۸۸؛ خطبه ۱۲۹ - وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۵۱ -

بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۳۴؛ ص ۸۹

طريق اول: (مرفوع، ضمير، ضعيف) محمد بن الحسين الرضى [السيد الرضى، امامي ثقة جليل] في

نهج البلاغة عن أمير المؤمنين ع أنه قال

* شرح و ترجمه حدیث:

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند:

... لعنت خدا بر آن کسانی باد که به کارهای نیک فرمان می‌دهند لیکن خود آن را ترک می‌کنند، و از کارهای بد نهی می‌کنند ولی خود آن را انجام می‌دهند.

* نکات:

– متأسفانه بعضی از آنهایی که خیلی خوششان نمی‌آید امر به معروف یا نهی از منکر کنند (یا دنبال بهانه‌ای برای فرار از آن هستند!)، این روایت را صرفاً دستاویزی برای ترک وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکرشان، و در انزوا نگه داشتن این دو فریضه بزرگ الهی قرار می‌دهند؛ و به همین خاطر، از درک درست مفهوم و منظور حضرت از ایراد این حدیث نیز محروم می‌مانند.

– گاهی اوقات، بیان این روایت به صورت شبهه است! شبهه‌ای که در آن می‌گویند: حضرت امیر علیه السلام آمران به معروف و ناهیان از منکر را لعنت کرده‌اند! یا می‌گویند: چون ما هم انسان غیر معصوم و خاطی هستیم، اصلاً نباید سراغ امر به معروف و نهی از منکر دیگران برویم! لذاست که توصیه می‌شود حتماً نکات و پیام‌های این روایت تا انتها و با دقت بخوانید تا خدای ناکرده

القای شبهه نشود...

* پیام ها و رهنمودها:

– حضرت امیر ع در این فراز از خطبه ۱۲۹ نهج البلاغه می فرمایند:

«لعنت خدا بر آمرین به معروفی که خودشان تارک آن معروف هستند و آن معروف را ترک کرده اند؛ آمر یا ناهی ای که می گوید، ولی خودش عمل نمی کند...»؛

اما آیا این بدان معنا است که: «چون همه ما نقص داریم، کاستی داریم، معصیت داریم (چون گل بی خار فقط خداست... و بالاخره همه مان خدای ناکرده سهو و خطا و گناه داریم)، پس باید از این به بعد کلاً امر به معروف و نهی از منکر را تعطیل کنیم و دیگر انجام ندهیم؟! پس امر به معروف و نهی از منکر فقط برای معصومین ع است؟! چون: گر حکم شود که مست گیرند، در شهر هر آنکه هست گیرند...»؟!؛

خیر، حضرت منظورشان در این روایت، این است که:

✓ «تو که خودت امر به معروف می کنی (و باید هم بکنی! چون مثل نماز و روزه، جزو واجبات دینی ات است...)، خودت هم آنچه را که می گویی و بدان امر یا نهی می کنی، انجام بده. حضرت نمی گویند چون خودت انجام نمی دهی، پس امر به معروف هم انجام نده!»

✓ منظور روایت این نیست که چون تو خودت می لنگی و عامل نیستی، پس تذکر هم نده؛ بلکه می گوید: شمایی که تذکر می دهی، (آفرین؛ اگر عامل هم نیستی، باز هم تذکر بده؛ اما:) برای اینکه بیشتر به رحمت خدا نزدیک بشوی، در کنار تذکرها و امر به معروف ها و نهی از منکرهایت، باید خودت هم آن چه را بدان امر و نهی می کنی، انجام هم بدهی.

– «لعنت»، یعنی: «دوری از رحمت»؛ حضرت فرموده اند: «از رحمت خدا به دور است کسی که امر به معروف کند، ولی خودش آن معروف را ترک کند»؛ اما اگر: هم «خودش انجام ندهد»، و هم «امر به معروف و نهی از منکر را انجام ندهد»، که دیگر جایگاش خیلی بدتر است! یعنی اگر خودت دیگران را به معروفی امر بکنی که خودت آن معروف را انجامش نمی دهی، یک لعنت می شوی، اما اگر خودت انجام نداده ای و دیگران را هم امر به آن کار نکنی، دو بار لعنت می شوی!

به واسطه ی انجام دو معصیت، از رحمت خدا دور می شوی...؛ صحبت از «دو واجب مستقل» است؛ امر به معروف یا نهی از منکر یک واجب است، و انجام آن معروف یا ترک آن منکر هم یک واجب دیگر.

– بعضی دوست دارند فقط نماز بخوانند، یا واجبات آسان را انجام بدهند (البته نماز آسان نیست! ولی از امر به معروف و نهی از منکر آسان تر است)؛ یا می گویند: «ما اول باید خودمان را درست کنیم!»، یا یک جمله و برداشت ناقص از این روایت حضرت امیر ع را تکرار می کنند که: «حضرت فرموده است لعنت خدا بر آمرین به معروف و ناهین از منکر!!!». این شبهه مثل این است که: «از کسی پرسیدند: چرا نماز نمی خوانی؟ گفت: قرآن گفته نماز نخوانیم! گفتند کجا گفته؟! گفت آنجا که گفته: ویلٌ للمصلین: وای بر نمازگزاران!!!» یا اینکه کسی بگوید: «قرآن گفته: لا تقربوا الصلوة!!! نزدیک نماز نشوید!!!»، خوب این یعنی چی؟! این آیه ها بقیه ندارد؟ دنباله ندارد...؟! باید بررسی کنیم؛ باید دنباله اش را هم بخوانیم تا متوجه منظور قرآن بشویم...

– برای اینکه مطلب بهتر روشن شود، از یک روایت دیگر مثال می زنیم (این «قیاس» نیست، «مثال» است برای تقریب به ذهن شدن؛ قیاس چیز دیگری است):

✓ از حضرت ولیعصر (عج) روایت داریم که: «لعنت خدا بر آن کسی که نماز صبحش را آن قدر به تاخیر بیندازد که ستاره های آسمان ناپدید شوند، و نماز مغربش را به اندازه ای به تاخیر بیندازد که ستاره های آسمان پدیدار شوند»؛ خوب، این یعنی چه؟ یعنی: حضرت می فرمایند: «نماز را باید اول وقت بخوانی! نماز مغرب و صبح را اول وقت بخوانید»؛ حالا یک سوال: «اگر ساعت ۹ یا ۱۰ شب شد و به هر دلیلی نماز مغرب کسی به تاخیر افتاد، حالا چه کند؟ نماز مغرب را بخواند یا نخواند؟ در اول وقت نخوانده و حالا ستاره های آسمان پدیدار شده است، نمازش را بخواند یا نخواند؟! خوب، معلوم است که باید بخواند! اما می گوید: «آقا اگر بخوانیم ملعون می شویم که؟!؟! خوب، اگر نخوانی، دوبار ملعون می شوی که!!» (این ها از نکته های ریزی است که در درایت الحدیث و فقه الحدیث داریم، و اینها چیزهای ساده اش هست...).

یک مثال ساده دیگر می‌زنیم؛ آنهایی که اهل سفر ریلی هستند دیده‌اند حتماً: عزیزان پرسنل راه آهن، در ایستگاه‌هایی که قطار هنگام نماز می‌ایستند (به برکت نظام اسلامی)، صدا می‌زنند: «آقا نماز است، نماز...؛ ۲۰ دقیقه توقف برای نماز و...» حالا اگر این فرد فرضاً (به هر دلیلی) خودش نماز نخواند، نباید دیگران را هم امر به معروف نماز کند؟! پیش خودش فکر کند که اگر این کار را بکند طبق روایت مولا ملعون می‌شود؟! معلوم است که این طور نیست...!

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث همتادوسوم: ویژگی های امر به معروف

رَوَى أَنَّ أَبَا ثَعْلَبَةَ الْأَسَدِيَّ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ص عَنْ هَذِهِ الْأَيَّةِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»؛

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص :

«وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَانْتِهَاءٌ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ» (۱۷ / لقمان) ...؛ وَصَاحِبُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ يَحْتَاجُ أَنْ يَكُونَ: (۱) عَالِمًا بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ (۲) فَارِعًا مِنْ خَاصَّةِ نَفْسِهِ مِمَّا يَأْمُرُهُمْ بِهِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنْهُ (۳) نَاصِحًا لِلخَلْقِ، رَحِيمًا لَهُمْ رَفِيقًا بِهِمْ (۴) دَاعِيًا لَهُمْ بِاللُّطْفِ وَ حَسَنَ الْبَيَانِ (۵) عَارِفًا بِتَفَاوُتِ أَخْلَاقِهِمْ لِيُنْزِلَ كُلًّا مِنْزِلَتَهُ (۶) بَصِيرًا بِمَكْرِ النَّفْسِ وَ مَكَائِدِ الشَّيْطَانِ (۷) صَابِرًا عَلَى مَا يَلْحَقُهُ (۸) لَا يُكَافِئُهُمْ بِهَا وَ لَا يَشْكُو مِنْهُمْ (۹) وَ لَا يَسْتَعْمِلُ الْحَمِيَّةَ وَ لَا يَغْتَاظُ لِنَفْسِهِ (۱۰) مُجَرِّدًا نِيَّتَهُ لِلَّهِ (۱۱) مُسْتَعِينًا بِهِ تَعَالَى (۱۲) وَ مُبْتَغِيًا لَوَجْهِهِ (۱۳) فَإِنْ خَالَفُوهُ وَ جَفَوْهُ صَبْرًا، وَ إِنْ وَافَقُوهُ وَ قَبِلُوا مِنْهُ شَكَرًا (۱۴) مَفُوضًا أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ (۱۵) نَاطِرًا إِلَى عَيْبِهِ.

*** سند روایت:**

مصباح الشریعہ؛ ص ۱۸ (ترجمہ مصطفوی) - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛
ص ۲۱۴ - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۹۷؛ ص ۸۳

*** شرح و ترجمہ حدیث:**

روایت شدہ است کہ ابو ثعلبہ اسدی از حضرت رسول اکرم ص دربارہ (تفسیر) این آیہ شریفہ پرسید: «ای آن کسانی کہ ایمان آوردید بر شما باد کہ مواظب نفس‌های خود باشید؛ گمراہی و انحراف دیگران ضرری بہ شما نمی‌رساند، مادامی کہ شما در (مسیر) ہدایت (و راہ مستقیم) باشید»؟

پیامبر ص پاسخ دادند:

«امر کن بہ معروف و نہی کن از منکر؛ و صبر کن بہ آنچه از نامالیمات (در این مسیر) بہ تو می‌رسد» (۱۷ / لقمان)؛ ... کسی کہ امر بہ معروف و نہی از منکر می‌کند، نیازمند است کہ (یک سری صفات و ویژگی‌هایی داشته باشد):

(۱) بہ موارد حلال و حرام آگاہ باشد:

حلال و حرام را (کہ می‌خواهد بدان‌ها امر یا نہی کند) بشناسد و اشتباہاً امر بہ منکر و نہی از معروف نکند! (کہ البتہ این یک ویژگی، جزو «شرایط و جوب و انجام امر بہ معروف و نہی از منکر» است.)

(۲) از نفس‌آمارہ خویش، در مورد آنچه دیگران را بدان امر و نہی می‌کند، فارغ شدہ باشد و درگیر آن نباشد (تعبیر دیگر: «از انجام وظایف و عمل بہ تکالیف خود فارغ باشد، و در ہمین موارد خود مقصر نباشد»؛ کہ البتہ اگر انسان هنوز از گناہان خویش فارغ نشدہ ہم، باز وظیفہ تذکر بہ دیگران بر دوش او ہست...):

مثال هایش می تواند این ها باشد که: «از سر غرور امر و نهی نکند» یا «از ظاهر مردم، آنان را قضاوت نکند»؛ به تعبیری یک سوزن به خودش بزند و یک جوال دوز به دیگران...!

(۳) از سر خیرخواهی و رحمت و رفاقت (با محبت، دلسوزی و ترحم) به مردم تذکر دهد:

مثل یک رفیقی که می خواهد رفیقش را نجات دهد، عمل کند. انسان یاد شهید امر به معروف علی خلیلی رحمت الله علیه می افتد؛ که در صحبت هایش در ایام جانبازی (که فیلم هایش نیز هست)، درباره افرادی که به او حمله کرده بودند و بعد بر اثر جراحات همان ها، به شهادت رسید، می گفت: این «رفقای» که به من حمله کردند و چاقو زدند...!! و این گونه ماجرای نهی از منکر و درگیری اش را تعریف می کرد...؛ تا جایی که برخی که فیلم صحبت هایش را در جایی می دیدند، با تعجب می پرسیدند: «یعنی رفقایش به او حمله کرده بودند و او را کشتند؟؟؟»، و ما می گفتیم: خیر! این شهید بزرگوار این حدیث رسول الله (ص) را زندگی کرده بود، که واقعا از سر رفاقت و محبت و رفق و مدارا رفته بود و این طور امر به معروف و دفاع از مظلوم کرده بود:

«رَحِيمًا لَهُمْ رَفِيقًا بِهِمْ...».

البته حالا که نقلی از خاطره ی نهی از منکر و درگیری شهید بزرگوار علی خلیلی با اشرار نقل شد، جا دارد این نکته را هم داخل پراکنش ذکر کنیم که: شهادت در مسیر امر به معروف و نهی از منکر، بسیار محدود رخ می دهد؛ شاید یک در هزار، و شاید هم کمتر! چون اولاً: درصد بسیار کمی از موارد امر به معروف و نهی از منکر کردنی که برای ما پیش می آید، در برابر اشرار و آدم های شرور است؛ عمدتاً مردم عادی و برادران و خواهران مان هستند که از سر غفلت یا هر چیز دیگر خطا یا گناهی را مرتکب می شوند و تذکر ساده ی ما می تواند آنها را نجات دهد. و ثانیاً: اینکه به این راحتی ها کسی این لیاقت را پیدا نمی کند که شهید امر به معروف و نهی از منکر باشد. و از این بابت خیال خیلی هایمان راحت باشد!!

(۴) دعوت کننده مردم باشد، با لطف و حسن بیان:

یعنی کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، خوب است و بهتر است که: با زبان لطیف، با لطف، با لطائف الحیل، با ترفندهای مختلف و با زبان خوش امر به معروف کند. اگر هم به جدال

کشید، با جدال احسن و بیان خوش؛ همان گونه ای که دوست دارد دیگران به او تذکر بدهند، به دیگران تذکر بدهد...

(۵) بداند که مردم خلق و خو (و منزلت) شان با هم فرق می کند، و به تناسب با هر یک رفتار کند:

مثلاً می گویند: «چون سر و کار تو با کودک فتاد / پس زبان کودکی باید گشاد!»؛ یا

این آقا اگر داش مشتبی و لوتی منش است، پس باید به او با زبان لوتی منشی تذکر داد. یا دیگری اگر یک مقدار سبک نازک نارنجی یا فوفولی (!) دوست دارد، با همان زبان خودش تذکر بدهیم. دیگری اگر یک خانم مهندسی هست، باید با زبان خودش (مثلاً با دو تا مثال یا اصطلاح از کار خودش و الفاظ مهندسی) با او صحبت کنیم. یا این حاج آقا که بزرگ فامیل هستند، پس باید با حفظ شأن و شوکت و احترامش با او صحبت کنیم...؛ و خلاصه تفاوت اخلاق مردم را بشناسیم! از ویژگی ها و خصوصیات پیامبران و اولیای الهی نیز همین است که «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ (یا: مَرَاتِبِهِمْ)»؛ یعنی با هر کسی، در سطح و به تفاوت اخلاق خودش صحبت می کنند؛ خوب، آمر به معروف هم طبق روایات قرار است جانشین خداوند و رسول خدا باشد، پس باید تلاش کنیم که این ویژگی ها را در خود متجلی کنیم! برخی از این نکات، به بحث «روانشناسی در امر به معروف و نهی از منکر» بر می گردد، که الان وقت و جای بحثش نیست که درباره آنها صحبت کنیم؛ ولی یک بُعدش همین فراز فرمایش حضرت رسول ص است که: بداند هر کسی را چطور باید با او تعامل کند. که تفصیل دارد...

(۶) آگاهی و بصیرت داشته باشد نسبت به حيله ها و مکرهای نفس اماره و شیطان:

هم نفس اماره خودش، و هم دیگران؛ و هم حيله های شیطان! مثلاً یکی از مکرهای نفس اماره و شیطان در امر به معروف و نهی از منکر این است که می آید شما را عصبانی کند؛ مثلاً می گوید: «اوه، اوه! بین چه لباس بدی پوشیده؟! داد بزن، بهش توهین کن و فحش بده!!» اگر بتواند این کار را می کند، اما اگر نفس نتوانست و ما بر او غلبه کردیم و گفتیم: «آقای محترم، رعایت کن! برادر من! قربانت! خیلی آقایی، رعایت کن! و...»، آن وقت می رود سراغ طرف مقابل، تا او را عصبانی کند. اگر او را نتوانست عصبانی کند، باز یک مکر دیگر می کند و...؛ لذا یکی از مکرهای نفس همین عصبانیت است که آقا رسول الله ص می فرمایند.

(۷) صبر کند بر آن چیزی (ناملایماتی) که (در این راه) به او می رسد:

این نکته، همانی است که در آیه ۱۷ سوره لقمان (وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ) نیز آمده است؛ حالا دو تا تشر و طعنه هم زدند یا دو تا فحش هم دادند، صبر کن! صبر بر طاعت، صبر بر مصیبت...

(۸) از آنها شاکی نشود (شکوه نکند) و به دنبال مکافات و مجازات یا مقابله با آنها (انتقام جویی به خاطر نفس) هم نباشد:

مثل اینکه شما فردی را که دارد غرق می شود را، پریده ای در آب و داری نجاتش می دهی؛ حالا دو تا مشت و دست و پا زدن هایش هم که به شما می خورد (چون شنا بلد نیست!)، نباید ناراحت بشویم؛ نباید شاکی بشویم از شان. از مردم طلبکار نباشیم! تو از فضل خدا خوب بار آمده ای، چون تو را در فضای خوب رشد داد. و این چیزی بر ما نیست. اگر آیه ای یا چیزی بلدیم، این از نعمت هایی بوده که خداوند برایمان گذاشته بوده است و چیزی از خودمان نداریم! تازه باز هم ما نسبت به آن چیزی که خدا برایمان قرار داده بوده (نعمت اساتید خوب و مجالس خوب و... که از شان بهره مند بوده ایم)، کم گذاشته ایم! لذا توقع مان را از دیگران نباید بالا ببریم.

(۹) با خودپسندی و تندی و درشت خوئی رفتار نکند، و برای نفس خودش غضب و غیظ نکند:

غضب کردن یا خشم کردنش، برای نفس خودش نباشد! بلکه اگر هم غضب یا اخمی لازم است، به خاطر خدا باشد؛ نه اینکه طرف چون نماز صبح بلند نشده و ما شدیم، حالا با عصبانیت او را از خواب بیدار کنیم که چرا ما بیدار شده ایم و نماز می خوانیم و او نمی خواند!! این حالت، همان «يَغْتَاظُ لِنَفْسِهِ» است که پیامبر (ص) آمران و ناهیان را از آن نهی می کنند.

ماجرای امیرالمومنین ع با عمر بن عبدود در آن جنگ را نیز همه می دانیم؛ که حضرت وقتی می خواستند سر از بدن او جدا کنند و او بی ادبی کرد، حضرت دوری زدند و زمانی تلف کردند. از ایشان پرسیدند که چرا همان لحظه نکشید؟ فرمودند: می خواستم کارم خالص برای خداوند باشد، غیظم برای نفس خودم نباشد! (البته حضرت ع تمثال قرآن ناطق است و مبراً از این مسائل پیش پا افتاده هستند، ولی به هر حال چون در ظاهر انسانی هستند، و شاید برای درس گیری ما، این طور رفتار کردند...)

لذا می فرماید که: «تا می شود گله و شکایت نداشته باشیم، خودپسندی نداشته باشیم، تندی و درشت خویی با مردم نداشته باشیم؛ و برای نفس خودمان هم غضب و غیظ نکنیم».

(۱۰) نیت اش فقط و فقط برای خدا باشد:

تا می توانیم نیت مان برای خدا باشد: «خدایا! چون تو گفته ای دست افتادگان را لله بگیر، ما دلمان برای این بنده خدا (که عزیز دلمان است، داداش گلمان است، آجی گلمان است...) سوخت، و حالا که دارد یک خطایی یا گناهی می کند، ما به خاطر تو، و به اطاعت از امر تو، به او تذکر می دهیم؛ و از سر محبت و دلسوزی دستش را می گیریم».

(۱۱) (در این راه) از خدا کمک بخواهد و استعانت بجوید:

همان «ایاک نَعْبُدُ وَاِياکَ نَسْتَعین» که همیشه در نماز می خوانیم؛ «خدایا! تو گفته ای من وظیفه ام را انجام بدهم، خودت هم کمکم کن؛ که در این مسیر از تو استعانت می جویم...»

(۱۲) فقط به خاطر خدا (در راه او و بسوی او) این کار را انجام دهد:

(۱۳) اگر (اشخاص طرف امر و نهی)، با او مخالفت کردند و (حتی) به او جفا و بدی کردند، صبر و تحمل و خویشنداری کند؛ و اگر از او قبول کردند و همراهی کردند، از آنها تشکر کند:

چقدر پیامبر ص زیبا فرموده اند، که اگر طرف مقابل نصیحت و امر یا نهی تو را نپذیرفت، تو وظیفه ات را انجام داده ای، برو... (و صبر کردن، در اینجا این نیست که حالا بایستی تا دعوا هم بشود!)؛ مثلاً اگر فرد خاطی به آمر به معروف یک چیزی گفت، تو دو تا جوابش را ندهی! فرضاً گفت: «به تو چه فصول؟!»، تو صبر کن! سعه صدر داشته باش و عبور کن. و اگر هم از تو پذیرفت و به تذکرت عمل کرد، از او تشکر کن! نکو که: «وظیفه اش بوده، باید انجام می داده!» بله، درست است که از وظیفه اش کوتاهی کرده بوده، اما پیامبر ص می فرماید حالا که رعایت کرده، شما هم تشکر کنید؛ هر چند که او وظیفه اش هست؛ اما حالا که انجام داده، اگر یک تشکری هم بکنیم، چیزی از انسان کم نمی شود.

اگر او گفت: «بله آقا، حق با شماست، درست می فرمایید، دست شما درد نکند...!»؛ ما هم مثلاً

بگوییم: «تشکر آقا، زنده باشید، بزرگوارید، ببخشید، دم شما گرم...!»

(۱۴) کارش را و امرش را به خداوند تفویض و واگذار کند:

همان: «أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»...

(۱۵) متوجه عیوب و نواقص خودش باشد:

از عیوب خودش هم غافل نشود. حواسش باشد که: «خودم هم دریای عیب هستم، و خداوند ستار العیوبی کرده که بندگان از من فرار نمی کنند...»؛ لذا حواسم به عیوب خودم هم باشد.

* نکات:

– این حدیث و دیگر احادیث مشابه، که به بحث ویژگی های امر به معروف یا ناهی از منکر می پردازد، به هیچ وجه نفی کننده یا اسقاط کننده وظیفه و تکلیف شرعی مسلمین در مواقع وجوب انجام امر به معروف و نهی از منکر نیست. لذا مسلم است که انجام امر به معروف یا نهی از منکر متوقف بر این صفات نیست؛ بلکه بهتر است که مومن (که می خواهد وظیفه امر و نهی اش را انجام دهد)، این صفات را در خود داشته باشد یا به مرور به وجود بیاورد، تا کارش بهتر پیش برود و بیشتر اثر بگذارد. لذا اگر کسی این صفات را نداشت هم، «باید» وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خودش را انجام دهد؛ به جز مورد اول که همان شرط «علم به معروف و منکر» است، که یکی از شرایط چهارگانه ی وجوب است؛ که البته تحصیل آن هم (به عنوان مقدمه ی انجام واجب)، شاید خیلی جاها واجب باشد.

* پیام ها و رهنمودها:

– بعضی می گویند: «کسی که می خواهد امر به معروف کند!»، باید این ویژگی ها را داشته باشد؛ در حالی که مگر انجام امر به معروف «خواستنی» است؟؟! وظیفه ی واجب همه است! این وظیفه همه است که امر به معروف و نهی از منکر کنند. مثل این است که بگوییم: «کسی که بخواند نماز بخواند!»، باید وضو داشته باشد؛ آیا این معنی اش این است که نماز خواندن دل بخواهی است؟؟ خیر! وظیفه همگانی است.

پس «هر کس بخواند امر به معروف انجام بدهد...»، جمله درستی نیست؛ بلکه همه باید وظیفه امر و نهی شان را در جاهایی که «شرایط و جوب محقق است» انجام بدهند و متوقف چیزی غیر از شرایط و جوب نیست. اما خوب است و باید سعی کنیم که این ویژگی ها را هم در خودمان به وجود بیاوریم و کسب کنیم.

– با امر به معروف نباید سلیقه ای برخورد کرد! خداوند به ما توفیق دهد که این ویژگی ها را در خودمان پرورش بدهیم و متجلی کنیم، که امر و نهی های مان اثرش بیشتر بشود. انشاءالله...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث همتاد و چهارم: شریک ثواب های مردم...

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع
عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص:

كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ؛ وَالدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلُهُ ...

* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٤؛ ص ٢٧ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ١٦؛ ص
١٥٤ - الخصال؛ ج ١؛ ص ١٣٤ - من لا يحضره الفقيه؛ ج ٢؛ ص ٥٥ - الإختصاص؛ النص؛
ص ٢٤٠ - وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ٢٨٧ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ٧١؛ ص ٤٠٩ -
عوالي اللئالی العزيزية في الأحاديث الدينية؛ ج ١؛ ص ٣٧٦

* شرح و ترجمه حدیث:

از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:
هر کاری خیر یا معروفی صدقه محسوب می شود؛ و کسی که راهنمایی کند دیگران را به کار خیر،
مانند فاعل آن عمل خیر است (او هم اجر و ثواب آن کار را می برد).

* نکات:

– در روایات، مضمون مقابل این حدیث را هم داریم: «الدَّالُّ عَلَى شَرِّ كَفَاعِلُهُ: كَسَى كَه دِیْكَرَانِ رَا
بِه كَارِ شَرِّی تَرْغِیْب كُنْد، دَر كِنَاهِ اَوْ شَرِیْكَ اسْت»؛ و یا روایت: «مَنْ رَضَا بِعَمَلٍ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» و...؛

* پیام ها و رهنمودها:

– طبق این روایت، مثلاً بنده ای هم که شما را ترغیب و تشویق می کنم به این که امر به معروف و
نهی از منکر بکنید، «كَفَاعِلُهُ» هستم! یعنی شما هر جایی امر به معروف بکنید، ثوابش را برای من
هم می نویسند؛ شما هم همین طور باشید! دیگران را تشویق به امر به معروف و نهی از منکر کنید و
یادشان بدهید؛ احیا کنید، ترویج کنید؛ بعد هر کس که به او آموزش دادید، امر به معروف کند،
ثواب آن را برای شما هم می نویسند.

– قرآن می فرماید: «... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...»
(همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید، و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری
نمایید. / ۲ مائده؛ یا می فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ؛ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»
پس هر که هم وزن ذره ای نیکی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید و هر کس هم وزن ذره ای بدی
کند [نیز، نتیجه] آن را خواهد دید. / ۷ و ۸ زلزله؛ گاهی ما داریم به گناه کمک می کنیم ولی
متوجه نیستیم؛ خودمان را به آن راه می زنیم! در حالی که اگر کمک به انجام گناهی کنیم، شریک

در آن گناه هستیم، ولو با سکوت مان! در عمل خیر و ثواب هم، چنین است؛ پس مراقب باشیم همین مقدار (سکوت در برابر عمل خلاف) هم گناه است.

— در مورد «دلالت بر شر» یا «تعاون بر اثم و عدوان» یک داستانی هست، که مربوط به زمان امام موسی بن جعفر ع است و درباره ایشان نقل شده است: «صفوان جمال»، ساربان و شترداری بوده که شترهای زیادی داشته و آنها را برای باربری و تجارت اجاره می داده است به دیگران؛ و از ارادتمندان اهل بیت ع بوده که در زمان امام موسی کاظم (ع) زندگی می کرده است. صفوان شترهایش را به هارون الرشید اجاره می داد. امام کاظم علیه السلام به صفوان جمال فرمودند: چرا اینکار را کردی؟ چرا شترهایت را به هارون الرشید اجاره دادی؟ چرا کمک کردی به این ظالم؟ صفوان جمال گفت: من که کار بدی نکردم، و او هم که شترها را برای کار بدی نمی خواست؛ می خواست با این شترها به مکه برود. قصد سفر مکه داشت و من شترهایم را دادم که به حج برود. امام فرمودند: آیا همین قدر دوست داری که هارون الرشید سالم از مکه برگردد تا شترهایت را صحیح و سالم به تو برگرداند؟ صفوان جواب داد: بله یابن رسول الله! امام کاظم (ع) فرمودند: همین اندازه که تو دوست داری هارون الرشید زنده بماند، و صحیح و سالم برگردد که شترهایت به تو برگردد، تو دوستدار او هستی و همین گناه است!

— گاهی طرف مثلاً فیلمبردار مراسم عروسی گناه آلود است و میگوید: «به من چه؟ من فیلمم را می گیرم. آنها هر کاری که میخواهند بکنند، به خودشان ربط دارد!» یا دیگری آشپزی می کند برای مهمانی مختلط و گناه، یا جلسه ضد اسلام (مثل عمر کشان یا...)، و می داند دارد کمک به گناه می کند، ولی می گوید: «به من چه؟ من فقط غذا می پزم! و اگر من غذا نپزم یا نفروشم، یکی دیگر آن کار را می کند! یا اگر من فیلمبرداری نکنم یکی دیگر این کار را می کند!» خوب این یعنی چی؟؟؟ تو نکن!! چون یکی دیگر آن کار را می کند، تو هم باید بکنی؟؟ در هنگام غارت اهل بیت ع در کربلا، یک عده نفهم داشتند خلخال از پای دختران اهل بیت ع باز می کردند، نامردها گردنبندها و خلخالها و گوشوارهها را می بردند؛ و بعضی از اینهایی که غارت می کردند، گریه می کردند و غارت می کردند! یک نفر بهشان گفت چرا داری گریه می کنی؟ گفت آخر دارم اهل بیت پیغمبر ص را غارت می کنم، اینها خاندان رسول الله ص هستند که من دارم گوشواره و خلخال هایشان را پاره می کنم و میبرم! گفتند: خوب تو که می دانی اینها خاندان رسول الله ص هستند و

بهشان ارادت داری، چرا غارت می کنی؟!؟! خب نکن! گفت: آخر اگر من این کار را نکنم یکی دیگر می کند...

این تفکر شدیداً مسموم است. و متأسفانه امروز در جامعه ما، دو تفکر بسیار خطرناک است که دارد زیاد می شود:

۱- می دانم این کار بدی است، اما چون همه انجام می دهند من هم انجام می دهم!
۲- می دانم این کار خیلی خوب است، ولی چون دیگر کسی انجام نمی دهد من هم انجام نمی دهم!

باید خیلی مواظب باشیم! یعنی چه؟! محکم باش و بگذار دیگران هم به سوی تو برگردند! اگر همه خراب شدند، تو خوب باش! و سعی کن دیگران را هم خوب کنی...

خدایا! ما را شریک گناه دیگران قرا مده!

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث همتادو پنجم: شریک جرم رضائی!

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ
عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي حَدِيثِ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَ قَتْلِ ذُرَّارِي قَتَلَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ»؟ فَقَالَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ: هُوَ كَذَلِكَ! فَقُلْتُ: وَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام/ ١٦٤)، مَا مَعْنَاهُ؟

قَالَ:

صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ؛ وَ لَكِنْ ذُرَّارِي قَتَلَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْضُونَ بِأَفْعَالِ آبَائِهِمْ وَ
يَفْتَخِرُونَ بِهَا وَ مَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ آتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ بِالْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي
الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاظِي عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ
لِرِضَاهُمْ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ ...

* سند روایت:

عیون أخبار الرضا عليه السلام؛ ج ۱؛ ص ۲۷۳ - علل الشرائع؛ ج ۱؛ ص ۲۲۹ - تفسیر الصافی؛ ج ۱؛ ص ۲۲۹ - وسائل الشیعه؛ ج ۱۶؛ ص ۱۳۹ - البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱؛ ص ۴۱۰ - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۴۵؛ ص ۲۹۵ - تفسیر نور الثقلین؛ ج ۱؛ ص ۷۸۶

طریق اول: (مسند، عادی، صحیح) محمد بن علی بن الحسین [بن بابویه، امامی ثقه جلیل] فی عیون الأخبار و فی العلل عن أحمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی [امامی ثقه] عن علی بن ابراهیم بن هاشم [امامی ثقه جلیل] عن ابيه [ابراهیم بن هاشم القمی، امامی ثقه جلیل علی التحقیق] عن عبد السلام بن صالح الهروی [امامی ثقه] قال قلت ل أبي الحسن علی بن موسی الرضا ع... فقال ع

* شرح و ترجمه حدیث:

روایت شده که شخصی (به نام عبدالسلام ابن صالح هروی) خدمت حضرت امام رضا علیه السلام می رسد و به ایشان عرض می کند: یا بن رسول الله! درباره چنین حدیثی که گویا از جد بزرگوارتان امام صادق ع روایت شده که ایشان می فرماید: «وقتی مهدی ما قیام می کند، با فرزندان و ذریه قاتلین امام حسین علیه السلام قتال می کند و بخاطر جرم پدرانشان آنها را می کشد و شکنجه می کند»، چه می فرمایید؟ (نظرتان درباره این جمله چیست؟ آیا صحیح است؟!).

امام رضا علیه السلام در جواب می فرماید: «بله همینطور است؛ هو کذالک! (مهدی فاطمه سی چون به زودی انشاءالله ظهور کند، با فرزندان و ذریه قاتلین امام حسین (ع) قتال می فرماید)».

شخص عرض کرد: پس قول الله (عز و جل) چه می شود که می فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى: کسی (در قیامت) بار دیگری را بر دوش نمی گیرد»؟!!

حضرت رضا (ع) در جواب می فرماید:

«بله، خداوند در جمیع سخن هایش درست می فرماید و صدق دارند؛ ولی ذریه قاتلان امام حسین (ع) راضی هستند به کاری که پدرانشان کردند و افتخار می کنند به آن کارها. و کسی که راضی

باشد به امر یا چیزی، مانند کسی است که آن کار را کرده. و حتی اگر کسی در مشرق زمین کشته شود و در مغرب زمین کسی راضی به کشته شدن او باشد، او نیز نزد خداوند عزّ و جلّ شریکِ جرم قاتل می باشد. و مهدی ما نیز وقتی قیام می کند، به خاطر این جرم «رضایت شان به کار پدرانشان (و کشتار عاشورا)» با اینها قتال خواهد کرد.»

* پیام ها و رهنمودها:

– بعضی ها یک آیه ای از قرآن را به دست می گیرند، تا به خیال خودشان، آن را مستمسکی قرار دهند تا امر به معروف و نهی از منکر را انجام ندهند و به قولی بیچانند! مثل همین آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» که در این حدیث ذکر شده؛ بدون توجه به اینکه معنی و تفسیر این آیه چیست؟ معنی تحت اللفظی این آیه می شود: «کسی بار کسی دیگر را نمی کشد»؛ خب، بله! یا نکند منظورشان این است که کسی را در گور کسی دیگر نمی گذارند؟! بله آقا، قبول! کسی بار کسی دیگر را بر دوشش نمی کشد، و کسی را در گور کسی دیگر نمی گذارند؛ اما «امر به معروف نکردن، گناه خود من است!» مثلاً شما یک گناهی را دیده اید، و وقتی تذکر می دهید، طرف می گوید: «مگر شما را در قبر من می گذارند؟! یا مگر شما قرار است گناه من را بدوش بکشی؟!»؛ جواب این است: نه، من گناه تو را به دوش نمی کشم، مثلاً شما دروغ گفته ای، این گناه خودتان است؛ اما من یکی از واجباتم (به عنوان فریضه شرعی) که در گور هم از من می پرسند، این است که آیا تویی که انجام این گناه را دیدی، امر به معروف و نهی از منکر کردی نسبت به آن یا نه؟!؟!!

وگرنه، بله: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»! کسی را در گور دیگری نمی گذارند؛ ولی همین که گناه را دیدی و نهی نکردی، این گناهِ خودت است. این وزر و وبال خودت است.

– عزیزان! سکوت نشانه رضایت است؛ پس نگوئیم که «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» به این معنی است که: «امر به معروف و نهی از منکر نکنیم، ما که شریک در گناه او نیستیم!»! خیر، بحث چیز دیگری است؛ کسی را به خاطر کسی دیگر مجازات نمی کنند، مگر اینکه او هم به جرم دیگری راضی باشد.

خدایا ما را راضی به گناه قرار نده!

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احاديث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث هفتاد و ششم: خواریون آل محمد (ص)

حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ
بْنِ سَعِيدِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع لِمَ سَمَّى الْخَوَارِثُونَ الْخَوَارِثِينَ؟

قَالَ [أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع]:

أَمَّا عِنْدَ النَّاسِ: ...، وَأَمَّا عِنْدَنَا: فَسَمَّى الْخَوَارِثُونَ الْخَوَارِثِينَ لِأَنَّهُمْ كَانُوا مُخْلِصِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ
مُخْلِصِينَ لغيرِهِمْ مِنْ أَوْسَاحِ الذُّنُوبِ بِالْوَعظِ وَ التَّذْكِيرِ. ...

*** سند روایت:**

عیون أخبار الرضا عليه السلام؛ ج ۲؛ ص ۷۹- علل الشرائع؛ ج ۱؛ ص ۸۰- وسائل الشیعة؛ ج ۱۶؛
ص ۱۳۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۱۴؛ ص ۲۷۲- سفینه البحار؛ ج ۲؛ ص ۴۹۳

* شرح و ترجمه حدیث:

راوی از حضرت امام رضا (ع) سوال کرد:

چرا حواریون (افراد و یاران خاصی که حضرت عیسی بن مریم (علی نبینا و آله و علیهما السلام) در اعوان و انصارشان داشتند)، به این نام اسم گذاشته شده اند؟

امام رضا علیه السلام (در جواب) فرمودند:

آنها نزد مردم به این خاطر بدین نام معروف شدند که: ... [به یک سری دلایلی که حضرت در متن کامل حدیث ذکر کرده اند]؛ و اما در نزد ما (ما به این خاطر به آنها می‌گوییم حواریین، که): چون (اولاً) این‌ها در خودشان اخلاص داشتند و خود را خالص کرده بودند، و (ثانیاً) دائم سعی می‌کردند دیگران را با (دو وسیله‌ی: «موعظه» و «تذکر»، از گناه تسویه کنند و خلاصی بدهند (خالص کنند).

* نکات:

– به نظر، منظور سوال کننده از طرح این پرسش از محضر امام رضا علیه السلام این بوده که: «حواری» یعنی چه؟ و این اصحاب خاص حضرت عیسی (ع) چه کسانی بودند و چه ویژگی‌ای داشتند که به آنها می‌گفته‌اند: «حواریون»؟ و حضرت در پاسخ، ابتدا دلایل مردم و عوام آن زمان را برای این نام گذاری می‌گویند؛ که حالا این که مردم چرا به آنها می‌گفته‌اند حواریین، خیلی مهم نیست؛ این مهم است که: اهل بیت ع چرا به این‌ها حواریون می‌گویند (وَأَمَّا عِنْدَنَا...)? و ما مسلمین چرا به آن‌ها حواریون می‌گوییم؟

*** پیام ها و رهنمودها:**

– این روایت امام رضا علیه السلام که درباره ی امر به معروف و درباره ی حواریون عیسی بن مریم علیهما السلام است، این پیام را به ما می دهد که:

✓ حواریون به این دلیل نزد اهل بیت (ع) شأن و منزلت دارند که هم انسان های «صالحی» بودند، هم «مصلح». و دائم در صدد بودند که علاوه بر خودشان بر اخلاص و خلوص دیگران هم بیفزایند و از گناه نجات بدهند.

✓ دو ابزار و وسیله، یا راهکاری که حواریون دائم انجام می داند، «موعظه» و «تذکر» بوده؛ آنها دائم کارشان موعظه بوده است، دائم کارشان تذکر دادن بوده است؛ این یعنی چی؟ یعنی: «امر به معروف و نهی از منکر!» و اهل بیت ع به خاطر همین به آنها می گویند: «حواریون».

خدایا! به حق محمد ص و آل محمد ص ما را جزء حواریون امام زمان مان قرار بده.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir

